درس پنجم - اقسام تعریف

 بخش مهمی از ادراکات ما ، برای ما مجهول هستند که برای روشن نمودن آنها نا چاریم از تعریف استفاده کنیم یعنی تصورات معلوم ذهن خودمان که در ارتباط با مفهوم مجهول هستند را جمع آوری کرده و بوسیله آن ها مفهوم مجهول را روشن سازیم.

 به مجموعه مفاهیم معلومی که کنار هم جمع می کنیم تا آن مفهوم مجهول را روشن سازیم، معرِّف یا تعریف می نامیم و به آن مفهوم مجهول که بوسیله تعریف، روشن شد معرَّف ( تعریف شده) گفته می شود .

مثال : منطق : علمی است که راه و روش درست اندیشیدن را به ما می آموزد

 معرَّف معرِّف یا تعریف

اساس و پایه ساختار تعریف در ذهن انسان خدا دادی است

اقسام تعریف

 برای این که یک مفهوم را تعریف کنیم ، مفاهیم ذاتی (درونی ) و عرضی(بیرونی) مرتبط با آن را در ذهن کنار هم می گزاریم بر همین اساس برای هر مفهوم ، چهار نوع تعریف قابل تصور است.

 1- اگر در تعریف ، مهمترین و نزدیک ترین مفاهیم ذاتی آن ، یعنی جنس قریب و فصل آنرا بیاوریم. تعریف کاملی را ارایه کرده ایم، این نوع تعریف، تعریف به **حد تام** است.

مثلاً، جنس قریب انسان حیوان و فصل قریب آن ناطق بودن است پس می گوئیم انسان(معرِّف) :حیوان ناطق(معرف«تعریف») این تعریف انسان به حد تام است.

 2- اگر درتعریف از مفاهیم ذاتی استفاده شود ، اما از مفاهیم ذاتی کمی دورتر، و برای تعریف از جنس بعید و فصل استفاده شود تعریف به **حد ناقص** است.

مثلاً در تعریف انسان بگوئیم جسم ناطق، جسم ، جنس بعید انسان و ناطق ، فصل انسان است.

 3-سومین نوع تعریف ، **رسم تام** است. در تعریف به رسم از عرضیات یک مفهوم هم استفاده می شود و به فصل اشاره ای نمی شود. و از جنس قریب و عرض خاص استفاده می شود.

مثال: اگر در تعریف انسان بگوئیم حیوان دروغ گو. حیوان ، جنس قریب انسان و دروغ گو بودن ، عرض خاص انسان است.

 4- اگر در تعریف از جنس بعید و عرض خاص یک مفهوم استفاده شود، تعریف آن به رسم ناقص است مثلاً در تعریف انسان بگوئیم جسم دروغ گو. جسم ، جنس بعید انسان و دروغ گو بودن عرض خاص انسان است.

**حد**

**تام ←** جنس قریب + فصل

**ناقص** ← جنس بعید **+** فصل

تعریف

**تام** ← جنس قریب+ عرض خاص

**رسم**

**ناقص**← جنس بعید+ عرض خاص

مثال برای مثلث چهار تعریف قابل پیش بینی است:

تام  شکل سه ضلعی

ناقص  کمیت سه ضلعی

حد

تعریف مثلث

تام  شکل دارای سه زاویه

ناقص  مقدار دارای سه زاویه

رسم

نکات مهم:

 1- تعریف به حد تام قوی ترین نوع تعریف است ، چون تعریف به حد، قوی تر از تعریف به رسم و تعریف به تام، قوی تر از تعریف به ناقص است.

 2- اگر در یک مفهوم، عرض خاص قابل کشف نباشد، در این صورت می توان تعدادی از عرض های عامِ آن مفهوم را با هم تلفیق کرد تا مجموع آن ها عرض خاص شود مثلاً در تعریف مربع بگوئیم:

مربع : شکلی (جنس قریب) که چهار ضلع مساوی(عرض عام) عمود بر هم(عرض عام) دارد.

 3- اگر به جای تعریف منطقی یک مفهوم، معنای لغوی آن مفهوم را بیاوریم ، این دیگر تعریف نیست بلکه شرح الاسم است مثلاً بگوئیم: علم : دانش و آگاهی

 4- مفاهیمی مانند «چیز» و یا «واحد» قابل تعریف نیستند.

 5- بوسیله درک قواعد تعریف می توانیم :

 الف) یک تعریف منطقی برای مفهوم ارایه کنیم.

 ب) میزان دقیق بودن تعاریف را دریابیم

 ج) می توانیم بفهمیم چه چیزهایی قابل تعریف نیستند.